

الدَّرْسُ السَّابِعُ درس پنجم عربی دهم



و اما درسی که منتظرش بودید ... درس پنجم عربی دهم ... عجب درس مهمی است ... درباره‌ی مغل اعرابی کلمات و سافتر جمله کلّی کار داریم ...
در این درس خیلی از مشکلات شما حل خواهد شد ... و کلی لذت خواهید برد ...

این درس خیلی مهم است ... در این درس می‌خواهیم با انواع جمله در عربی آشنا شویم و چند نقش در عربی بیاموزیم. در عربی جملات به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند:

انواع جمله

- فعلیّة ← جمله‌ای است که با فعل شروع می‌شود. ← كَتَبَ التَّلْمِيذُ الرَّسَالَةَ.
- إِسْمِيَّة ← جمله‌ای است که با اسم شروع می‌شود. ← التَّلْمِيذُ كَتَبَ الرَّسَالَةَ.

دو جمله‌ی بالا دارای یک مفهوم می‌باشند و آن این است که «دانش‌آموز نامه را نوشت.» پس علت داشتن دو نوع جمله در عربی چیست؟! علت آن است که در زبان عربی هرگاه بخواهند بر جمله تأکید داشته باشند، آن را به صورت اسمیه به کار می‌برند. هر یک از انواع جمله ارکانی دارد که در زیر به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

جمله فعلیّة

حتماً یادتان هست، در زبان فارسی نیز این مطلب را داشتیم، منظورم بحث «لازم و متعدی» است. به نمودار زیر نگاه کنید:

فعل از لحاظ نیاز به مفعول

- نیازمند مفعول ← متعدی ← علی نامه را نوشت.
- بی‌نیاز از مفعول ← لازم ← علی به مدرسه رفت.

در مثال بالا «نامه» مفعول است و نشانه‌ی مفعول در زبان فارسی «را» می‌باشد. پس فعل «نوشت» یک فعل متعدی است. فعل «رفت» در جمله مفعول ندارد پس این فعل لازم است.

یکی از راه‌های تشخیص فعل لازم از متعدی ترجمه‌ی فعل‌ها به فارسی و پرسش دو سؤال «چه چیزی را» و «چه کسی را» می‌باشد که اگر یکی از این دو سؤال پاسخ مناسبی داشته باشد فعل متعدی است.

مثال

كَتَبَ (نوشت) ← چه چیزی را نوشت؟ ← سؤال درست است ← «كَتَبَ» متعدی است.
جَلَسَ (نشست) ← چه کسی را نشست؟ ← سؤال درست نیست ← «جَلَسَ» لازم است.

اکنون که مفهوم لازم و متعدی را آموختید به ساختار جمله‌ی فعلیه در عربی توجه کنید:

لازم ← فعل + فاعل ← **ذَهَبَ التَّلَامِيذُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ**. (دانش آموز به مدرسه رفت.)
 متعدی ← فعل + فاعل + مفعول ← **شَاهَدَ التَّلَامِيذُ الْمَعْلَمَ فِي الطَّرِيقِ**. (دانش آموز معلّم را در راه دید)

جمله‌ی فعلیه

تکرار جمله‌ی فعلیه بیشتر در اینجاست...

۱) فعل: کلمه‌ای است که بر انجام دادن کاری یا داشتن حالتی در زمان گذشته، حال یا آینده دلالت دارد. توجه داشته باشید که اگر فاعل پس از فعل به صورت یک اسم بیاید فعل باید به صورت مفرد بیاید اما اگر فاعل پس از آن به صورت یک اسم مشخص نیاید براساس صیغه‌ی خود به کار می‌رود، به اصطلاح (و البته به نادرست) گفته می‌شود که فعل در ابتدای جمله به صورت مفرد می‌آید اما در وسط جمله مطابقت می‌کند:

ذَهَبَ التَّلَامِيذُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.
 ↓ ↓
 مفرد جمع

التَّلَامِيذُ ذَهَبُوا إِلَى الْمَدْرَسَةِ.
 ↓ ↓
 جمع جمع

۲) فاعل: انجام‌دهنده‌ی کار یا دارنده‌ی حالت است. فاعل نشانه‌ای دارد و این است که همواره پس از فعل می‌آید، می‌تواند یک ضمیر جسیبیده به فعل باشد و یا یک اسم ظاهر و یا گاهی هم پنهان است و اثری از آن نیست.

ذَهَبَ التَّلَامِيذُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. ← دانش‌آموزان به مدرسه رفتند.
ذَهَبُوا إِلَى الْمَدْرَسَةِ. ← (آنها) به مدرسه رفتند.
ذَهَبَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. ← به مدرسه رفت. (فاعل ضمیر هو پنهان یا مستتر است.)

انواع فاعل

فاعل همواره مرفوع است و اگر اسم ظاهر باشد در آخر خود **تُو، ان، وِنَ** دارد. «ان» برای اسامی مثنی و «ون» برای اسامی جمع مذکر سالم و «تُو» برای سایر اسامی است.

- وَصَلَ الْمَعْلَمُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. ← «معلّم» مفرد است و با «مرفوع شده».
 - وَصَلَ الْمَعْلَمَانِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. ← «معلّمان» مثنی است و با «ا» مرفوع شده.
 - وَصَلَ الْمَعْلَمُونَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. ← «معلّمون» جمع مذکر سالم است و با «و» مرفوع شده.
- ۳) مفعول:** اسمی است که کار بر روی آن انجام می‌شود و غالباً پس از فاعل می‌آید مگر این‌که ضمیری متصل به فعل شود.

اسم ظاهر ← **شَاهَدَ حَمِيدٌ سَعِيدًا**. (حمید سعید را دید)
 ضمیر متصل ← **شَاهَدَهُ حَمِيدٌ**. (حمید او را دید)

انواع مفعول

ضمایر متصل «ه، هُما، هُم، هِما، هُنَّ، كَ، كُما، كُم، كِ، كُنَّ، ي و نا» اگر به فعل بچسبند مفعول می‌شوند. (البته ضمیر ی و نا می‌توانند فاعل هم باشند)

مفعول همواره منصوب است و اگر اسم ظاهر باشد در آخر خود **تَ، يِن، يِنَ** دارد. «ین» برای اسامی مثنی و «ین» برای اسامی جمع مذکر سالم و «تَ» برای سایر اسامی است.

- شَاهَدَ التَّلَامِيذُ مَعْلَمًا ← «معلّم» مفرد است و با «منصوب شده».
- شَاهَدَ التَّلَامِيذُ مَعْلَمَيْنِ ← «معلّمین» مثنی است و با «ی» منصوب شده.
- شَاهَدَ التَّلَامِيذُ مَعْلَمِينَ ← «معلّمین» جمع مذکر سالم است و با «ی» منصوب شده.

جمله اسمیه

در عبارت «علی آمد»، «علی» نهاد است و «آمد» گزاره است. دقیقاً شبیه به همین ساختار را در عربی داریم که به آن ساختار جمله‌ی اسمیه می‌گویند. جمله‌ی اسمیه با یک اسم شروع می‌شود که مبتدا نامیده می‌شود و معادل همان «نهاد» در فارسی است. در ادامه راجع به مبتدا خبری ارائه می‌شود که در عربی «خبر» نام دارد و معادل «گزاره» در زبان فارسی است:

ساختار جمله‌ی اسمیه: مبتدا + خبر التَّلَامِيذُ كَتَبُوا الرِّسَالَةَ.

در این عبارت «الرِّسَالَةَ» مفعول است و آن هم برای فعل «كَتَبُوا» توجه داشته باشید که خبر در جمله‌ی اسمیه می‌تواند یک جمله‌ی فعلیه باشد و پس از فعل، فاعل و مفعول نیز بیاید.

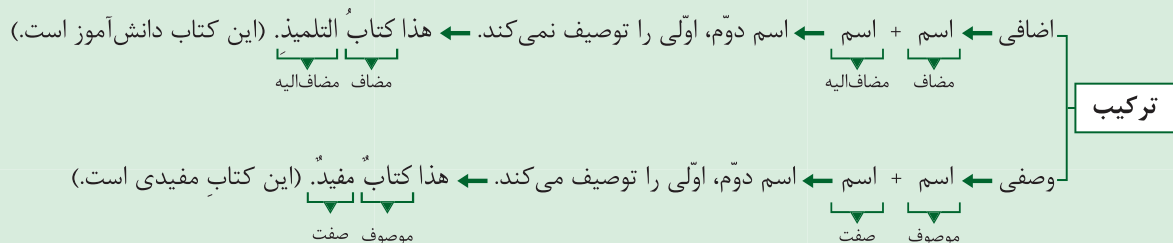
درباره‌ی جمله‌ی اسمیه بیشتر تدریس کنیم...

آنچه در جمله‌ی اسمیه اهمیت پیدا می‌کند و کمی شما را به در دسر می‌اندازد انواع خبر است. خبر در جمله‌ی اسمیه می‌تواند به سه صورت بیاید:

- انواع خبر
- یک اسم است ← التَّلَامِيذُ مُجِدُّ! (دانش‌آموز تلاش‌گر است)
 - یک فعل است ← التَّلَامِيذُ يَقْرَأُ دَرْسَهُ! (دانش‌آموز درسش را می‌خواند!)
 - یک حرف به همراه یک اسم است (جار و مجرور) ← التَّلَامِيذُ فِي الصَّفِّ! (دانش‌آموز در کلاس است!)
- مبتدا و خبر همواره مرفوع هستند لذا مبتدا و خبر (در حالتی که اسم باشد) در آخر خود **مُ**، **ان**، **ون** می‌گیرند.
- المُعَلِّمُ مُجِدٌّ ← «معلم» و «مجدد» مفرد هستند و با **مُ** و **ن** مرفوع شده‌اند.
 - المُعَلِّمَانِ مُجِدَّانِ. ← «معلمان» و «مجدان» مثنی هستند و با «ان» مرفوع شده‌اند.
 - المُعَلِّمُونَ مُجِدُّونَ. ← «المعلمون» و «مجدون» جمع مذکر سالم‌اند و با «و» مرفوع شده‌اند.
- یک اسم زمانی تنوین می‌گیرد که ال نداشته باشد و مضاف نشود. (در ادامه با مضاف و مضاف‌الیه آشنا خواهید شد.)

صفت و مضاف‌الیه

در زبان فارسی هرگاه دو اسم به یکدیگر اضافه شوند یک ترکیب ایجاد می‌شود. این ترکیب می‌تواند وصفی یا اضافی باشد مثلاً ترکیب «کتاب دانش‌آموز» یک ترکیب اضافی است و ترکیب «کتاب مفید» یک ترکیب وصفی است. دقت داشته باشید که ترکیب اضافی دلالت بر مالکیت دارد یعنی «کتاب مال دانش‌آموز است.» اما در ترکیب وصفی این طور نیست. در عربی نیز به همین ترتیب است:



فعل، مفعول، مبتدا و خبر نیز می‌توانند صفت یا مضاف‌الیه داشته باشند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

• رَجَعَ طَالِبُ الْمَدْرَسَةِ إِلَى بَيْتِهِ. (دانش‌آموز مدرسه به خانه‌اش بازگشت).
 ↓ ↓ ↓
 فعل فاعل مضاف‌الیه

• قَرَأَ الطَّالِبُ الْمَجْدُ كِتَابًا مَفِيدًا. (دانش‌آموز تلاش‌گر کتاب مفیدی خواند).
 ↓ ↓ ↓ ↓ ↓
 فعل فاعل صفت مفعول صفت

• طَالِبُ الْمَدْرَسَةِ وُلِدَ مُؤَدَّبًا! (دانش‌آموز مدرسه پسر مؤدبی است).
 ↓ ↓ ↓ ↓
 مبتدا مضاف‌الیه خبر صفت

درباری صفت و مضاف‌الیه بیشتر در اینجاست...

مضاف‌الیه همواره مجرور است یعنی در آخر **ـِ** یا **ـَ** یا **ـِ** می‌گیرد.

• کتابُ المعلمِ ← مفرد

• کتابُ المعلمینِ ← مثنی

• کتابُ المعلمینِ ← جمع مذكر سالم

مضاف هرگز، ال و تنوین نمی‌گیرد. (مضاف می‌تواند فاعل، مفعول و... باشد).

صفت در مذكر و مؤنث بودن، مفرد، مثنی و جمع بودن داشتن ال و البته حرکت حرف آخر از موصوف تبعیت می‌کند:

هاتان شَجَرَتَانِ بَاسِقَتَانِ.
 ↓ ↓
 موصوف صفت

قرأتُ الكِتَابَيْنِ المَفِيدَيْنِ.
 ↓ ↓
 موصوف صفت

هذا كِتَابٌ مَفِيدٌ.
 ↓ ↓
 موصوف صفت

«ه، ههما، ههم، هها، ههما، ههن، ك، كهما، ككم، كك، ككما، ككن، ي و نا» اگر به اسم بچسبند مضاف‌الیه می‌شوند.

كِتَابَةٌ ← کتاب او
 ↓ ↓
 مضاف مضاف‌الیه

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱	۲
۳	۴

واژگان

۱- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْمَعْنَى الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ عَلَى التَّرْتِيبِ:

«يُمْكِنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ مِنْ تِلْكَ الْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ.»

(۱) استفاده می‌کند - نور - نورانی کردن

(۳) استفاده کند - نورانی - نورانی کردن

(۲) استفاده کند - نور - روشن کردن

(۴) استفاده می‌کند - نورانی - روشن کردن



٢- أي كلمة لا ترتبط بالفعل؟

- (١) الضوء ← يَنْبِغُ (٢) السائل ← يُفْرَزُ (٣) جُرْح ← يَلْتَمَسُ (٤) الذنب ← تُعَوِّضُ

٣- عَيْنِ الخَطَأُ في جَمْعِ التَكْسِيرِ:

- (١) مَدِينَةٌ ← مُدُنٌ (٢) ضَوْءٌ ← أَضْوَاءٌ (٣) سَمَكٌ ← سُمُوكٌ (٤) غُدَّةٌ ← غُدَدٌ

٤- في أي الأجوبة جاء المتضاد أكثر:

- (١) لا أملكُ لِنَفْسِي نَفْعاً و لا ضَرراً إِلَّا ما شاء الله!
(٢) عداوةُ العاقلِ خيرٌ منِ صداقةِ الجاهلِ!
(٣) دَلَّتْ الحيواناتُ الإنسانَ على النباتاتِ البريةِ و البحريةِ!
(٤) صدورُ الأحرارِ قبورُ الأسرارِ!

٥- عَيْنِ الخَطَأُ:

- (١) بَنَى ≠ صَنَعَ (٢) مِنْ فَضْلِكَ = رَجَاءٌ (٣) سَائِلٌ ≠ جَامِدٌ (٤) نُفَايَةٌ = زُبَالَةٌ

٦- في أي الأجوبة ما جاء الإسم المؤنث؟

- (١) الحِرباءُ تُدِيرُ عَيْنَيْهَا دونَ أَنْ تُحْرِكَ رَأْسَهَا!
(٢) الحَسَدُ يَأْكُلُ الإيمَانَ الخَيْرَ كما تَأْكُلُ النَّارُ الحَطَبَ!
(٣) فَأَنْزَلَ اللهُ سَكِينَتَهُ على رَسولِهِ و على المؤمنين!
(٤) أَكْبَرُ الحُمُقِ الإغراقُ في المَدْحِ و الدَّمِ!

٧- في أي الأجوبة جاء الجمع للتكسير أكثر؟

- (١) تَشَرَّفْتُ بِزِيَارَةِ العتباتِ المقدَّسةِ و المُدُنِ الأربعةِ!
(٢) إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ المُلُوكِ الساسانيينَ قَبْلَ الإسلامِ!
(٣) البُجْتريُّ مِنْ أَكْبَرِ شُعراءِ العَرَبِ في المَشْرِقِ!
(٤) لا يَذْهَبُ إلى سوريَةٍ إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ الزَّوَارِ!

٨- في أي العبارات كُلُّ الأسماءِ تكونُ جمعاً؟

- (١) صُدُورِ الأحرارِ قُبُورِ الأسرارِ!
(٢) يَضْرِبُ اللهُ الأمثالَ للناسِ!
(٣) أ تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ و تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ!
(٤) و يَتَفَكَّرُونَ في خَلْقِ السَّمَاوَاتِ و الأَرْضِ!

٩- عَيْنِ الخَطَأُ لِجَمْعِ التَكْسِيرِ:

- (١) ذَنْبٌ: أَذْنَابٌ (٢) المَدِينَةُ: المُدُنُ (٣) عُشْبٌ: أَعْشَابٌ (٤) جاسوسٌ: جَواسيسُ

١٠- «.....» عيونها ثابتة و لكن تُعَوِّضُ هذا النقصَ بِتَحريكِ رأسِها. «أي حيوان يكمل الفراغ؟»

- (١) البَطُّ (٢) الحِرباءُ (٣) البومة (٤) القَطِ

١١- عَيْنِ الخَطَأُ في ترجمة الأفعال:

- (١) أَفْرَزَ: بَرَفَرَازَ رَفَتَ (٢) إلتَأَمَ: بيهود يافت (٣) إستطاع: توانست (٤) دَلَّ: راهنمايي كرد

١٢- عَيْنِ الخَطَأُ:

- (١) يَنْبوعٌ = عَيْنٌ (٢) حُجْرَةٌ = عُرفَةٌ (٣) إستطاعَ = قَدَرَ (٤) ظلامٌ = ضياءٌ

١٣- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (١) سائلٌ = جامدٌ (٢) جاهزٌ ≠ حاضرٌ (٣) نُفَايَةٌ = زُبَالَةٌ (٤) عداوةٌ = صداقةٌ

١٤- في أي الأجوبة ليست جميع الكلمات مرتبطة؟

- (١) غُرَابٌ - بَطٌّ - بومٌ - الطاووسُ
(٢) سَنَوِيًّا - شَهْرِيًّا - يَوْمِيًّا - أُسْبُوعِيًّا
(٣) هاتِفٌ - مِصباحٌ - مُسجَلٌ - جَدْوَةٌ
(٤) سَيَّارةٌ - عَرَبَةٌ - طائِرَةٌ - حافِلَةٌ



١٥- أيّ صفة لا ترتبط بالكلمة التي بين القوسين؟

- (١) البرية (الأسماك)
 (٢) مُطَهراً (سائل)
 (٣) طيبة (أعشاب)
 (٤) المُضَيِّئة (البكتيريا)

١٦- عيّن الخطأ في ترجمة الكلمات المُعيّنة في هذه العبارة:

«الحرباء تستطيع أن تُدير عينيها في اتجاهات عديدة كما أن للبط خزانات من الزيت يُقرب أذناها»

- (١) آفتاب پرست - بتواند - بچرخاند - جهت‌های - اردک - انبارها - روغن - دم‌هایش
 (٢) سوسمار - می‌تواند - می‌چرخاند - جهت‌ها - اردک - انبارها - روغن - دم‌ها
 (٣) آفتاب پرست - می‌تواند - بچرخاند - جهت‌های - مرغابی - انبارهای - روغن - دم‌هایش
 (٤) سوسمار - می‌تواند - بچرخاند - جهت‌ها - مرغابی - انبارهای - روغن - دم‌ها را

١٧- عيّن عبارة فيها فعّان و إسمان مُضادان:

- (١) أكبرُ الحَمَقِ الإغراقُ في المَدحِ و النَّدَمِ، و النَّدَمُ على السُّكوتِ خَيْرٌ من النَّدَمِ على الكَلَامِ.
 (٢) الغُرابُ يُحذِّرُ النَّاسَ و الحَيواناتِ حَتَّى تَتَبَعَدَ عَنِ الخَطَرِ و تَقْتَرِبُ مِنْ بُيوتِها.
 (٣) أَكثَرُ الأَطْفالِ يَخافونَ مِنَ الظُّلامِ و يَلجأونَ نَحوَ الضِّياءِ.
 (٤) إِحذَرُوا العَدَاوَةَ يا إِخوتَي إِنما عَدَاوَةُ العاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَداقَةِ الجاهِلِ.

تعريف لغات

١٨- عيّن الخطأ عن الحيوانات:

- (١) الأسماك المُضَيِّئة ← تَحَتَّ عينيها تعيشُ البكتيريا المُضَيِّئة!
 (٢) البَطُّ ← يَلعُقُ جُرْحَهُ حَتَّى يَلتئمَ!
 (٣) الحرباء ← تُديرُ عينيها في إتجاهاتٍ مختلفة!
 (٤) الغُرابُ ← هو بمنزلةِ جاسوسٍ مِنْ جواسيسِ الغابة!

١٩- عيّن التوضيح المناسب عن «الذئب»:

- (١) طائرٌ يَسْكُنُ في الأمانِ المتروكة!
 (٢) عَضُو خَلْفِ جِسمِ الحَيوانِ يُحرِّكُهُ غالباً!
 (٣) نباتاتٌ مُفيدةٌ للمعالِجةِ نَسْتفيدُ مِنْها كَدَواءٍ.
 (٤) مِنَ النَباتاتِ البريَّةِ المُفيدةِ للعلاج!

٢٠- عيّن الصَّحيح:

- (١) طائرٌ يَسْكُنُ في الأمانِ المتروكة يَنامُ في النَهارِ و يَخْرُجُ في اللَّيلِ: البومة
 (٢) عَضُو خَلْفِ جِسمِ الحَيوانِ يُحرِّكُهُ غالباً لِطَرْدِ الحشراتِ: الأنف
 (٣) نباتاتٌ مُفيدةٌ للمعالِجةِ كالدَواءِ: الأعشابِ البريَّةِ
 (٤) نَشْرُ النورِ و الضَّوءِ: الظلام

٢١- عيّن الخطأ في شرحِ الكَلِماتِ المَطْلوبة:

- (١) «المفعول» يأتي في بعضِ الجُمَلِ التي يَحْتَاجُ فِعْلُها إلى مَفْعولٍ و أحياناً يَفْعُ قَبْلَ الفاعِلِ.
 (٢) «الفاعل» الرُّكْنُ الأساسِيُّ في الجُمَلِ الفِعْلِيَّةِ و يَأْتِي بَعْدَ الفِعْلِ.
 (٣) «الخبر» إِسْمٌ يَأْتِي غالباً ما بَعْدَ المُبتدأ لِيوَضِّحَ و يُخبرنا عَنِ المُبتدأ.
 (٤) «المبتدأ» الإِسْمُ الَّذِي تُبْدَأُ بِهِ الجُمَلَةُ الإِسْمِيَّةُ غالباً.



قواعد

٢٢- أي العبارات تختلف عن العبارات الأخرى من حيث نوع الجملة؟

- (١) أَحِبُّ عِبَادَ اللَّهِ الَّذِينَ يَتَّقُونَ النَّاسَ!
 (٢) الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ!
 (٣) قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ عَقْلاً وَهُوَ أَفْضَلُ شَيْءٍ!
 (٤) فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ!

٢٣- كم فاعلاً ومفعولاً جاء في: «الغواصون شاهدوا المصايح التي ينبعث ضوءها كثيراً وتحوّل الظلام إلى النور!»

- (١) ٣-٣ (٢) ٢-٣ (٣) ٤-٣ (٤) ٤-٢

٢٤- عيّن الصحيح عن المحلّ الإعرابي للكلمات المعيّنة:

- (١) اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ مَصْدَرَ هَذَا الضَّوئِ! ← مبتدأ
 (٢) يَنْبَعُ الضَّوئُ مِنَ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ! ← مضاف إليه
 (٣) لِسَانُ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِئِيٌّ دَائِمٌ! ← خبر
 (٤) أَكْثَرُ الْحَيَوَانَاتِ تَمْتَلِكُ لُغَةً خَاصَّةً! ← صفة

٢٥- عيّن الخطأ عن قراءة الجملة:

- (١) لَا تَتَحَرَّكْ عَيْنُ الْبُومَةِ!
 (٢) تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا!
 (٣) صَوْتُ الْغُرَابِ يُحَدِّثُ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ!
 (٤) بَعْضُ الطُّيُورِ تَعْرِفُ الْأَعْشَابَ الطَّبِئِيَّةَ!

٢٦- في أي إجابة جاء المضاف إليه؟

- (١) لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدِيدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا!
 (٢) يَسْتَفِيدُ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ!
 (٣) لِلْبَطَّةِ غُدَّةٌ طَبِئِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنَ الذَّنْبِ!
 (٤) دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْأَعْشَابِ!

٢٧- في أي الأجابة ما جاء المفعول؟

- (١) الْبُومَةُ تُدِيرُ رَأْسَهَا مِثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَرَجَةً!
 (٢) يَسْتَطِيعُ الْغَوَاصُونَ الْتِقَاطَ صُورٍ جَمِيلَةٍ!
 (٣) يَلْعَقُ الْقِطُّ جِرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ!
 (٤) لَا يَتَأَثَّرُ جِسْمُ الْبَطَّةِ بِالْمَاءِ!

٢٨- كم فاعلاً جاء في «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَ وَجَدًا»؟

- (١) أربعة (٢) ثلاثة (٣) إثنتان (٤) واحد

٢٩- عيّن العبارة الخالية من الصفة:

- (١) تَعَلَّمَ الْحَيَوَانَاتُ كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ!
 (٢) لِكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ خَوَاصٌّ!
 (٣) لِلْبَطَّةِ غُدَّةٌ طَبِئِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنْبِهَا!
 (٤) الطَّاوُوسُ مِنْ أَجْمَلِ الطُّيُورِ فِي الْعَالَمِ!

٣٠- في أي عبارة نوع الفاعل يختلف عن العبارات الأخرى؟

- (١) تَعِيشُ الْحَيَوَانَاتُ الْمَائِيَّةُ فِي أَعْمَاقِ الْمَحِيطِ!
 (٢) يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمُجِدُّ شَجَارَ التَّفَاحِ!
 (٣) الشَّعْرَاءُ قَدْ أَنْشَدُوا أَشْعَارًا فِي وَصْفِ النَّبِيِّ!
 (٤) مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ!

٣١- عيّن الخطأ عن كلمات هذا الحديث: «الحسد يأكل الحسنات كما تأكل النار الحطب!»

- (١) الحسد: مبتدأ (٢) تأكل: خبر (٣) النار: فاعل (٤) الحطب: مفعول

٣٢- في أي عبارة ليس المبتدأ دون مضافاً؟

- (١) إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ.
 (٢) الْعِلْمُ صَيْدٌ وَالْكِتَابَةُ قَيْدٌ.
 (٣) ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ.
 (٤) سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ.



۳۳- في أيّ الأجوبة نوع الجملة تختلف عن غيرها؟

(۱) لَلْبَطِّ خَزَانَاتٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ أذْنَابِهَا!

(۳) إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ تَمْتَلِكُ لُغَةً خَاصَّةً!

(۲) تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي إِتْجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ!

(۴) فَلِلْغُرَابِ صَوْتٌ يُحَدِّرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ!

۳۴- في أيّ إجابة ما جاءت الجملة الفعلية؟

(۱) إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِيعِيٌّ دَائِمٌ!

(۳) حَتَّى يَلْتَمِسَ تَمَامًا!

(۲) لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغَدِيدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مَطْهَرًا!

(۴) فَيَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ!

۳۵- عَيِّنِ الْخَطَأَ لِلْفَرَاغِ: «ذَهَبَ إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ»

(۲) الْغَوَاصُونَ

(۱) الْغَوَاصُ

(۳) الْغَوَاصِينَ

(۴) الْغَوَاصِينَ

۳۶- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ الْمَحَلِّ الْاِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ عَلَى التَّرْتِيبِ: «الْغُرَابُ يُحَدِّرُ بِقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ عَنِ مِنتَقَةِ الْخَطْرِ.»

(۱) مَبْتَدَا - خَبِر - فَاعِل - مَفْعُول

(۲) مَبْتَدَا - خَبِر - مَفْعُول - مِضَافٌ إِلَيْهِ

(۳) فَاعِل - خَبِر - مَفْعُول - مِضَافٌ إِلَيْهِ

(۴) فَاعِل - خَبِر - فَاعِل - مِضَافٌ إِلَيْهِ

۳۷- في أيّ الأجابة ما جاء المضاف إليه؟

(۱) صَدُورُ الْأَحْرَارِ قُبُورُ الْأَسْرَارِ

(۳) إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ.

(۲) يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمَجْدُ أَشْجَارَ التَّفَاحِ!

(۴) يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ!

۳۸- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ كَلِمَاتِ هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مِفْتَاحُهَا السُّؤَالُ.»

(۱) الْعِلْمُ: اسْمٌ - مَفْرَدٌ - مَذْكَرٌ - مِنْ مَادَّةِ ع م ل / مَبْتَدَا

(۲) خَزَائِنُ: اسْمٌ - جَمْعٌ مَكْسَرٌ - مُؤَنَّثٌ / خَبِر

(۳) مِفْتَاحٌ: فِعْلٌ - جَمْعٌ - مَذْكَرٌ - مِنْ مَادَّةِ ف ت ح / مَبْتَدَا

(۴) السُّؤَالُ: اسْمٌ - مَفْرَدٌ - مُؤَنَّثٌ / خَبِر

۳۹- عَيِّنِ الْخَطَأَ عَنِ الْكَلِمَاتِ هَذَا الْحَدِيثِ: «الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.»

(۱) يَأْكُلُ: فِعْلٌ وَ فَاعِلُهُ مَا ظَهَرَ بَعْدَهُ وَ هُوَ خَبِرٌ لِلْمَبْتَدَا

(۲) الْحَسَنَاتِ: اسْمٌ جَمْعٌ مُؤَنَّثٌ سَالِمٌ وَ هُوَ مَفْعُولٌ لِفِعْلِ يَأْكُلُ

(۳) النَّارُ: اسْمٌ مُؤَنَّثٌ وَ مَفْرَدٌ وَ هُوَ فَاعِلٌ لِفِعْلِ تَأْكُلُ

(۴) الْحَطَبُ: اسْمٌ مَفْرَدٌ وَ هُوَ مَفْعُولٌ

۴۰- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ قِرَاءَةِ هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ»

(۱) ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ.

(۲) ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ.

(۳) ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ.

(۴) ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ.

۴۱- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ الْمَحَلِّ الْاِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ؟

(۱) وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ / فَاعِلٌ - فَاعِلٌ

(۲) وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صَدِيقٍ فِي الْآخِرِينَ / مَفْعُولٌ - مِضَافٌ إِلَيْهِ

(۳) السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ / مَبْتَدَا - فَاعِلٌ

(۴) جَمَالُ الْمَرْءِ فَصَاحَةٌ لِسَانِهِ / مَبْتَدَا - خَبِر

ترجمه و مفهوم

۴۲- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجُمَةِ: «سَوْفَ يَسْتَطِيعُ الْبَشَرُ يَوْمًا أَنْ يَسْتَعِينَ بِالْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِلْإِنَارَةِ وَ التَّقَاتِ الْوُجُودِ.»

(۱) انسان خواهد توانست که با کمک باکتری نورانی روشنایی ایجاد کند و عکس بگیرد!

(۲) روزی بشر خواهد توانست از باکتری نورانی برای نورانی کردن و عکس گرفتن یاری بجوید!

(۳) نورانی کردن و عکس گرفتن با کمک باکتری نورانی روزی برای بشر امکان پذیر خواهد بود!

(۴) بشر روزی خواهد توانست که از باکتری نورانی نور ایجاد کند و عکس بگیرد!



۴۳- «لَلْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِئِيٌّ دَائِمٌ وَ هُوَ لِسَانُهُ الْمَمْلُوءُ بِالْغُدَدِ الَّتِي تُفْزِرُ سَائِلًا مُطَهَّرًا!» عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) برای گربه دائماً یک سلاح طبی وجود دارد و آن زبان مملو از غده‌هایی است که مایع پاک‌کننده‌ای ترشح می‌کند!
- ۲) گربه همیشه یک سلاح طبی دارد که زبانش است که پر از غده‌هایی است که مایع پاکیزه‌ای ترشح می‌کند!
- ۳) برای گربه یک سلاح طبی دائمی‌ای وجود دارد و آن زبانش است که پر از غده‌هایی است که مایع پاکیزه‌ای ترشح می‌کند!
- ۴) گربه سلاح طبی دائمی‌ای دارد که همان زبان پر از غده‌هایی است که مایع پاک‌کننده‌ای را ترشح می‌کند!

۴۴- «قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى كَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ الطَّيِّبَةِ!» عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) این حیوانات انسان را به بسیاری از گیاهان طبی خشکی راهنمایی کرده‌اند!
- ۲) این حیوانات انسان را به گیاهان خشکی و پزشکی زیادی راهنمایی کرده‌اند!
- ۳) این حیوانات بودند که انسان را به گیاهان طبی خشکی راهنمایی کرده بودند!
- ۴) این حیوانات بودند که انسان را به گیاهان طبی خشکی بسیاری راهنمایی کرده بودند!

۴۵- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) أَغْلِبُ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى إِمْتِلَاقِهَا لِغَلَّةٍ خَاصَّةٍ: أغلب حیوانات علاوه بر داشتن یک زبان خاص،
- ۲) تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا: زبان عمومی‌ای دارند که از طریق آن می‌توانند،
- ۳) أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا وَ تُخْبِرُ الْآخَرِينَ: با یکدیگر تفاهم داشته باشند و دیگران را باخبر کند،
- ۴) حَتَّى تَتَبَعَدَ عَنِ مِنتَقَةِ الْخَطْرِ: تا آن‌ها را از منطقه‌ی خطر دور کنند!

۴۶- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) لِلْبِطَّةِ عُدَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنْبِهَا تَنْشُرُ زَيْتًا: اردک در نزدیکی دم خود غده‌ای دارد که روغنی را منتشر می‌کند!
- ۲) تَسْتَطِيعُ الْجِرْبَاءُ أَنْ تُدَيِّرَ عَيْنَيْهَا دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا: آفتاب پرست می‌تواند چشمش را بچرخاند بدون این‌که سرش را حرکت بدهد!
- ۳) لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ: چشم جغد حرکت نمی‌کند همانا که ثابت است!
- ۴) الْبُومَةُ تُعَوِّضُ النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ جِهَةٍ: جغد این کمبود را با حرکت دادن سرش در هر جهت جبران می‌کند!

۴۷- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي تَرْجَمَةِ الْآيَاتِ التَّالِيَةِ:

- ۱) «وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ»: و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد!
- ۲) «وَ لَا يَظْلُمُ رَبُّكَ أَحَدًا»: و پروردگارت به کسی ستم نمی‌کند!
- ۳) «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ»: خداوند برای شما سختی می‌خواهد!
- ۴) «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»: خداوند کسی را مکلف نمی‌کند مگر به اندازه‌ی توانش!

۴۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ! نیکو بودن ادب زشتی اصل و نسب را می‌پوشاند!
- ۲) «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»: مردم را به خوبی دستور می‌دهند و خودشان را فراموش می‌کنند!
- ۳) «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»: هر کسی مرگ را می‌چشد!
- ۴) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ: بندگان خدایی را دوست دارم که به بندگان سود برسانند!

۴۹- عَيْنِ الْخَطَأِ:

- ۱) «رَبِّي إِنَّكَ أَخْزَيْتَ الظَّالِمِينَ»: ای پروردگار من همانا تو ستم‌کاران را خوار ساختی!
- ۲) «إِنَّا سَمِعْنَا مَنَادًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ»: ما ندا دهنده‌ای را شنیدیم که به ایمان دعوت می‌کرد!
- ۳) «سَبِّحْناكَ فَقَبَلْنَا عَذَابَ النَّارِ»: خواهشاً ما را از عذاب جهنم نگاه دار!
- ۴) «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»: ای پروردگار ما این را بیهوده نیافریدی!



۵۰- عَيْنِ الْأَصْحَاحِ عَنِ تَرْجُمَةِ الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: «حَذَرُوا أَوْلَادَكُمْ أَنْ يَتَّبِعُوا عَنْ أَصْدِقَاءِ السُّوءِ لِكَيْ يَتَّقَرَّبُوا مِنْ اللَّهِ أَكْثَرَ.»

- (۱) فرزندان را هشدار دهید که از دوستان بد دور شوند تا نزدیک خدا شوند.
- (۲) به فرزندان خود هشدار دهید که از دوستان بد دوری کنند تا به خداوند نزدیک تر شوند.
- (۳) به فرزندان هشدار دهید که از دوستان بد دوری کنند تا بیش تر به خدا نزدیک تر شوند.
- (۴) فرزندان را به دوری کردن از دوستان بد هشدار دهید تا به خدا بیش تر نزدیک شوند.

۵۱- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: «كَانَ الْعَوَاصِمُونَ يَذْهَبُونَ إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ بِأَنْ يُشَاهِدُوا فِي ظُلَامِهِ الْأَسْمَاكَ الْمُضِيئَةَ!»

- (۱) غواصان به اعماق محیط اقیانوس می روند تا در تاریکی ماهی های نورانی را ببینند.
- (۲) غواصان به اعماق اقیانوس می رفتند که در تاریکی ماهی های نورافشان را ببینند.
- (۳) غواصان به اعماق اقیانوس می رفتند که در تاریکی ماهی های نورافشان را ببینند.
- (۴) غواصان به اقیانوس می رفتند تا در اعماق آن ماهی های نورانی را در تاریکی ببینند.

۵۲- عَيْنِ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- (۱) تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا فِي أَتْجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ تَحْرِيكِ جِسْمِهَا: می تواند سرش را بچرخاند بدون این که جسمش را حرکت دهد.
- (۲) الْأَشْيَاحُ يَسِيرُونَ فِي الْأَرْضِ كَمَا أَمَرْنَا اللَّهُ بِذَلِكَ: گردشگران همان گونه که خدا ما را امر فرموده در زمین سیر می کنند.
- (۳) بَعْضُ الْأَعْشَابِ تُسَاعِدُ جِسْمَنَا عَلَى الْوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ: بعضی از گیاهان به جسم ما در پیشگیری از بیماری ها کمک می کند.
- (۴) تُشَكِّلُ الْمَاءُ النَّسْبَةَ الْعُلْيَا لِلْكُرَةِ الْأَرْضِيَّةِ: آبها بیش ترین درصد را نسبت به خشکی ها در کره زمین تشکیل می دهند.

۵۳- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجُمَةِ:

- (۱) وَحَدَّثَنَا سَوْفَ تَهْزِمُ الْأَعْدَاءَ بِكُلِّ مَا لَدَيْهِمْ مِنْ تَطَوُّرٍ: وحدت ما دشمنان را با تمام آنچه که از پیشرفت دارند شکست خواهد داد.
- (۲) اللَّوْنُ الْبَفْسَجِيّ مِنْ الْأَلْوَانِ الْمُهْدَّتَةِ لِلْأَعْصَابِ: رنگ بنفش از رنگ های آرام بخش برای اعصاب است.
- (۳) تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تَرَى أَتْجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ: آفتاب پرست می تواند دو جهت را هم زمان ببیند.
- (۴) بَعْضُ الْأَسْمَاكِ تَسْتُرُ نَفْسَهَا خَلْفَ الصُّخُورِ الْمَرْجَانِيَّةِ لِتَنَامَ: برخی ماهی ها خود را در پشت سنگ های مرجانی برای خوابیدن پنهان می کنند.

۵۴- «لَا أَسْتَطِيعُ إِلتِقَاطَ أَيِّ صُورَةٍ بِسَبَبِ الظُّلَامِ!» عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:

- (۱) به علت تاریکی نمی توانم هیچ عکس بگیرم!
- (۲) نمی توانم به علت تاریکی عکس بگیرم!
- (۳) نمی توانند هیچ عکس بگیرند به سبب تاریکی!
- (۴) من توان عکس گرفتن را به علت تاریکی ندارم!

۵۵- «لِسَانَ الْقَطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ وَ تَفَرُّزٌ سَائِلًا مُطَهَّرًا فَيَلْعَقُ الْقَطُّ جُرْحَهُ حَتَّى يَلْتَمِمَ!»

- (۱) زبان گربه مملو از غده هایی با یک مایع ضد عفونی کننده است که با لیس زدن زخم توسط آن بهبود می یابد!
- (۲) گربه زبانی پر از غده هایی دارد که مایع پاک کننده ترشح می کند پس گربه با لیسیدن زخم خود آن را بهبود می دهد!
- (۳) گربه زبانی دارد که مملو از غده هایی با مایع ضد عفونی کننده است پس گربه زخمش را می لیسد تا این که بهبود یابد!
- (۴) زبان گربه پر از غده هایی است که مایع پاک کننده ای ترشح می کند پس گربه زخمش را می لیسد تا این که بهبود یابد!

۵۶- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجُمَةِ:

- (۱) إِنَّ أَعْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةٌ إِلَى إِمْتِلَاقِهَا لِلْغَةِ خَاصَّةً: اکثر حیوانات علاوه بر داشتن یک زبان خاص،
- (۲) تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً تَسْتَطِيعُ بِهَا أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا: زبان عمومی دارند که می توانند با آن یکدیگر را بفهمند،
- (۳) فَلِلْغَرَابِ صَوْتٌ يُحَدِّثُ بِهِ الْآخِرِينَ: پس برای کلاغ صدایی است که دیگران را با آن هشدار می دهد،
- (۴) حَتَّى تَتَبَعَهُ سَرِيعًا عَنْ مِنتَقَةِ الْخَطَرِ: تا به سرعت از منطقه خطر دور شوند!

